

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۳۱

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۹۷

نقش سیاسی و فرهنگی حسین بن روح نوبختی در بازه زمانی غیبت صغری

مجید احمدی کچایی^۱

چکیده

جایگاه شایسته حسین بن روح نوبختی ۳۲۶ ق به عنوان یکی از حلقه های وصل میان شیعیان و امام غائب شان و عملکرد وی در دوره وکالتش از اهمیت به سزایی برخوردار است به طوری که توان مدیریتی وی در دوره پر اختناق غیبت صغری و زمانه ای که بسیاری از گمانه زنی های درباره غیبت امام به پایان نرسیده و همچنین روی کار آمدن مدعیان پر قدرت وکالت و نفوذ ایشان در دستگاه حاکمه همگی حکایت از شخصیت و زمان ویژه وی دارد، این پژوهش بر آن است، دوره وکالت حسین بن روح و چگونگی رفتار وی در مواجهه با بحران های پدید آمده را واکاوی کند.

واژگان کلیدی

امام عصر علیه السلام، حسین بن روح، غیبت صغری، نهاد وکالت، شلمغانی.

۱. دکتری تاریخ و تمدن و پژوهشگر مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم
(majid.ahmadi.313@gmail.com)

زیست‌نامه حسین بن روح نوبختی

حسین بن روح نوبختی یکی از وکلای اربعه دوره غیبت صغری امامیه و از جمله حلقه‌های تاریخی شیعیان امامی در آن دوره بوده است. منابع به طور عمده حسین بن روح را با عنوان‌های نوبختی (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۷؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۲۳)، روحی (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۱۳۱)، یاد کرده‌اند، همچنین به وی قمی نیز گفته می‌شده که به نظر می‌رسد این پسوند متأثر از آن بوده که حسین بن روح زبان آبی را می‌دانسته و داستانی در این زمینه نقل شده است. (همو: ج ۲، ۵۰۳) به تاریخ ولادت وی اشاره‌ای نشده، در عین حال تردیدی نیست، که وی در شعبان سال ۳۲۶ هـ. از دنیا رفت و در محل نوبختیه بغداد دفن گردید. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۸۷؛ طبرسی، ؟؟؟؟: ۱۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۳۵۸)

منابع به رغم اشاره فراوان به خاندان نوبختی به فرزندان وی توجه‌ای نداشته‌اند، شاید فراز و نشیب دوره ابن روح بیش از سه وکیل دیگر بوده به طوری که منحرفان از نهاد وکالت قدرتمندتر از سابق بوده‌اند، و حتی مشکلات حسین بن روح تا بدانجا پیش رفت که وی برای مدتی به حبس رفت، و این دوران گویا به دوران اختفای وی نزدیک بوده سبب تأثیر بر عملکرد نهاد وکالت داشته است.

در انتخاب حسین بن روح به وکالت عواملی چند موثر بودند، وی پیش از آغاز وکالتش از دستیاران وکیل دوم بوده است و برابر نقل دختر وکیل دوم ام کلثوم^۱ حسین بن روح ماهیانه از محمد بن عثمان مستمری دریافت می‌کرد. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۲) و به اندازه‌ای به محمد بن عثمان - وکیل دوم - نزدیک بوده که از اخبار درونی منزل وکیل آگاه بوده است، به طوری که ام کلثوم ارتباط زیاد آن دو را سبب پذیرش وکالتش توسط دیگر وکلاء دانسته است.^۲

گفته شده به دستور وکیل دوم و پیش از آغاز وکالتش برخی از باورهای امامیه را از او گرفته بود (همو: ۳۸۷). و چنین نقل شده که حسین بن روح در دوره وکیل دوم داری وجاهت شایسته‌ای بوده به طوری که برخی از مشکلات اصحاب را رفع می‌کرده است (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۰۵). گویا محمد بن عثمان برای آماده سازی شیعیان امامی مدتی قبل از وفات خویش ایشان را برای تحویل وجوه شرعی به حسین بن روح حواله می‌داده است، و

۱. از وی طوسی با عظمت یاد می‌کند و تنها فرزند وکیل دوم می‌باشد که در تاریخ بیشتر از دیگران از وی یاد شده است. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۳)

۲. به نقل از دختر محمد بن عثمان وی آن مقدار به پدرش نزدیک بوده که علاوه بر مستمری ماهیانه از خبرهای درونی نیز آگاه. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۲)

تأکید داشته از وی همانند خودش رسیدی دریافت نمایند، این امر محمد بن عثمان به گفته خود وکیل دوم به دستور امام عصر عج صورت گرفته است که حاکی از جایگاه حسین بن روح نزد امام مهدی عج بوده است. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۰)

همگی این موارد نشان از جایگاه رفیع وی در دستگاه وکالت و به خصوص در پیشگاه امام عصر علیه السلام بوده است، به طوری که با آن که برخی از صالحان برجسته شیعی انتظار داشتند دیگر وکلاء به جانشین وکیل دوم منصوب شوند، اما حسین بن روح نوبختی به این مهم و به دستور امام عصر علیه السلام انتخاب شد. (همو: ۳۶۹)

این انتخاب تنها به جهت کارآمدی وی در انجام امور وکالت بوده است. باور برخی از پژوهشگران بر آن است که وی پس از ابوسهل نوبختی مشهورترین فرد از خاندان نوبختیان بوده است (جباری، ۱۳۸۲ش: ۴۶۹)، حتی اگر این گمانه تا قبل از انتخاب حسین بن روح به عنوان وکالت پذیرفتنی باشد، اما بعد از این عنوان شهرت حسین بن روح به مراتب بیش از ابوسهل بوده است، تا بدانجا که دیگران به ابوسهل بابت عدم تصاحب این عنوان تأسف می خوردند. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۱۷۷)

به باور برخی از محققان ارتباط وی با خاندان نوبختی آشکار نیست (اقبال، ۱۳۵۷ش: ۲۱۳-۲۱۴) و این گمانه که اعضای این خاندان در انتخاب وی موثر بوده اند پذیرفتنی نیست،^۱ چراکه بررسی نهاد وکالت در دوره غیبت صغری حاکی از آن است که انتخاب وکلاء به دستور امام صورت می پذیرفته است، همچنین انتخاب وکیل چهارم که اصالتی غیر نوبختی داشته این گمانه که این دست انتخابها با گمانه زنی درون حزبی صورت می پذیرفته را زیر سؤال برده است.

کارگزاران حسین بن روح نوبختی

وی برای پیشبرد نهاد وکالت از افرادی و ریز وکیلانی در این زمینه سود جست که برخی از مهم ترین این دست از کارگزاران این افراد می باشند: احمد بن ابراهیم نوبختی: وی به همراه همسرش ام کلثوم دختر وکیل دوم در مقام کارگزار حسین بن روح نوبختی در بغداد روزگار می گذراند، وی سمت دبیری حسین را داشته است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۳). در بررسی به عمل آمده همسرش چنین مقامی نداشته و نام هیچ وکیل زنی در میان وکلاء دیده نمی شود، تنها از

۱. رک: جاسم حسین، به نقل از ساشادینا، البته جاسم حسین خود ناقد این گمانه است و آن را مردود می داند. (حسین، ۱۳۶۷ش: ۱۹۴)

ام کلثوم به عنوان یکی از مبلغان حسین بن روح در بنی بسطام بوده یاد شده است، به طوری که وی برای اولین بار خبر انحراف شلمغانی را به حسین بن روح نوبختی رسانده است (همو: ۴۰۳)، در هر صورت این زوج که از قضا وابسته به بیت وکیل دوم بوده‌اند کمک فراوانی به وکیل سوم داشته‌اند و حتی بعدها بسیاری از اخبار وکلاء از سوی فرزند زادگان ایشان انتشار یافته است (همو: ۲۹۴). وی را از جمله وکلای هم ردیف شلمغانی در بغداد دانسته‌اند که در مسیر وکیل - سوم - ثابت قدم بوده است، وی را رابط اهالی قم با وکیل سوم دانسته‌اند (همو: ۳۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۱۵۰)، به رغم این اخبار محدود خبر چندانی در تاریخ از او در دست نیست و از همسرش ام کلثوم بیش از وی در تاریخ یاد شده است، و از عنوان او پیداست وی به خاندان پرشمار نوبختی تعلق داشته است. از جمله افراد دیگری که در دوره وی از جمله وکلای محسوب می‌شدند عبارتند: ابوسهل نوبختی، ابومحمد حسن بن علی وجناء نصیبی، باقطنی، احمد بن متیل و جعفر بن احمد بن متیل قمی: ابو علی محمد بن ابی بکر، اسکافی: ۲۵۸-۳۳۶هـ. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۹)

چگونگی عملکرد حسین بن روح در برابر بحران‌های دوره وکالتش

با توجه به حساسیت دولت عباسی به شیعیان امامی، حسین بن روح استفاده از تقیه را در مصدر کارش قرار داد، گرایش‌های شگرف وی در پنهان کاری اعتقادات اولیه تشیع بدون شک در راستای تقیه صورت پذیرفته است. به طوری که شیخ طوسی با نقل سه روایت، شدت عمل وی به تقیه را تبیین کرده است. از آن جمله بنا به نقل ابی الحسن بن ابی الطیب روزی دو نفر در زمینه افضل الناس بعد از پیامبر ﷺ به بحث نشستند. یکی از ایشان ابوبکر سپس عمر و سپس علی علیه السلام را افضل می‌دانست. اما دیگری علی علیه السلام را بر عمر افضل دانست و وقتی نظر حسین بن روح را خواستار شدند. وی به ایشان چنین گفت: که آن چه که صحابه بر آن اجماع دارند آن است که ابتدا صدیق سپس فاروق (عمر) و بعد عثمان و بعد از ایشان علی افضل الناس می‌باشد. روایت دیگری چنین بیان می‌دارد که زمانی نگهبان درب خانه حسین بن روح به معاویه لعن و نفرین کرد و حسین بن روح نیز بلافاصله او را اخراج کرد و وساطت دیگران را نیز نپذیرفت. در روایت سوم، گاهی ده نفر که اکثر آنها وی را لعن کرده و یکی مردّد بود بر او وارد می‌شدند و هنگامی که مواضع وی را نسبت به صحابه می‌دیدند یا روایتی از وی می‌شنیدند که خود تا به حال آن را نشنیده بودند، دوست دار او می‌شدند. (طوسی، ۱۳۸۶ش: ۶۶۹ و ۶۷۱)

مدعیان وکالت

با توجه به اوضاع آشفته فکری امامیه در دوره غیبت صغری به خصوص در نیمه اول آن شرایطی مناسبی پدید آمده بود که افراد با گرایش‌های گوناگون خود را منتسب به نهاد وکالت کنند، و این امر می‌توانسته نشانگر جایگاه آن نهاد در میان امامیه باشد، به همین دلیل از مشکلات بزرگ وکیل سوم انحراف و یا ادعای وکالت برخی از افراد در این دوران بوده است.

حسین بن منصور حلاج، از جمله افرادی که در زمره مدعیان وکالت شمرده شده حسین بن منصور بن حلاج ۳۰۹ هـ می‌باشد، حلاج به شهرهای مختلفی از جمله فارس، اهواز، بصره و سپس مکه سفر کرد (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ج ۲۳، ۳۴)، و سرانجام در سال ۳۰۹ هـ. براساس آنچه از باورهای غالیانه به او منتسب بود به طرز دردناکی کشته شد.^۱

بیشترین برخورد با حلاج توسط وکیلان غیر اصلی صورت پذیرفت که از شاخص‌ترین ایشان ابوسهل نوبختی بوده است وی با به استهزاء گرفتن حلاج، امر وی را جدی نگرفت و با تحقیر حلاج، او را براند. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۰۱؛ ارموی، ۱۳۵۸ش: ج ۱، ۴۸۳)

ابن بابویه ۳۲۹ هـ. به عنوان یکی افرادی که با نهاد وکالت در ارتباط بوده از جمله کسانی بود که با شدت زیادی با حلاج برخورد داشت، گویا حلاج برای پیشبرد اهداف خویش به قم مسافرت کرد، وی سعی داشت ابن بابویه را به پذیرش باورهایش مجاب کند، که با پاسخ تند و تحقیرکننده ابن بابویه مواجه می‌شود. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۰۲-۴۰۳)

ابن روح افکار شلمغانی را به حلاج تشبیه می‌کرد، به نظر می‌رسد حسین بن روح نوبختی گمانه‌های آن دورا الحادی و غیر توحیدی می‌دانست (همو، ۴۰۵)، به رغم این اشاره‌ها طوسی و دیگر منابع نزدیک به غیبت صغری توقیعی از امام دوازدهم در رد حسین بن منصور حلاج نقل نکرده‌اند و اولین منبعی که به نقل توقیع لعن وی اشاره داشته طبرسی بوده است (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۷۴)، همچنین به رغم عدم اشاره منابع نخستین برخی دیگر از منابع پسینی آن دوره آورده‌اند، که حسین بن روح بر مباح بودن قتل وی صحه گذاشته است (اردبیلی، ۱۳۸۳ش: ج ۲، ۷۴۵). به طور عمده باور منابع کهن پیرامون وی نکوهش‌آمیز می‌باشد، به طوری که انواع گمانه‌های اغراق‌آمیز را به او منتسب می‌کنند. (ابن اثیر، ۱۴۰۷ق: ج ۱۱، ۱۳۳)

در میان منابع شیعی طوسی نقل کرده وی در ابتداء و برای جذب دیگران ادعای

۱. اعدام وی در دوره وزرات حام در دوره مقتدر عباسی صورت پذیرفت. پیرامون علت و چگونگی اعدام وی رک: مسعودی، ۱۳۶۵ش: ۳۷۴؛ مسکویه: ۱۳۷۹ش: ج ۵، ۵۴ و ۱۳۸؛ الفخری، ۱۳۶۰ش: ۳۵۷؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱ش: ج ۱۹، ۱۶۸ و ۱۶۹.

وکالت امام دوازدهم را طرح و زآن پس به زیاده‌گویی‌های دیگری پرداخته است (طوسی، ۱۳۸۶ش: ۶۹۵). برابر نقل دیگری حلاج سعی داشته حتی برخی بزرگان امامی را در دوره حیرت بفریبد، گرچه در این عمل ناکام بوده است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۰۱).

شلمغانی^۱ یکی از دیگر افرادی که در دوره غیبت صغری سر و صدای زیادی در میان شیعیان امامی به وجود آورد و تا اندازه‌ای توانست خلافت عباسی را تحت تأثیر گمانه‌های خویش قرار دهد، وی متولد روستای شلمغان از حومه واسط بوده (حموی، ۱۹۹۵م: ج ۳، ۳۵۹) که به تصریح بسیاری از منابع امامی از عالمان امامیه و مورد احترام ایشان بوده است، هجده اثر به وی منتسب می‌باشد که از جمله آن کتابی در غیبت می‌باشد (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۷۸؛ طوسی، ۱۳۷۳ش: ۴۴۸؛ ابن داود، ۱۳۴۲ش: ۵۰۸؛ حلی: ۱۴۱۱ق: ۲۵۴). طبق تحقیق برخی از محققان شلمغانی در ابتداء تمایل به اسماعلیه پیدا کرده بود که پس از مدتی ادعاهای دیگری را طرح کرد. (حسین، ۱۳۶۷ش: ۲۰۱)

تاریخ ولادتش در منابع ذکر نشده، و اولین خبرها از زندگی وی به دوران وکالت حسین بن روح نوبختی ۳۲۶ هـ. می‌رسد، و پیش از وکیل سوم خبری از شلمغانی در تاریخ نیست، در بررسی منابع چنین به دست می‌آید که طوسی به عنوان اولین و کهن‌ترین منبع موجود داستان‌های از وی را در کتاب غیبت خویش طرح کرده که بیشتر این داستان‌ها به طور عمد به انحرافاتش اشاره دارد. (طوسی، ۱۳۸۶ش: ۶۹۸-۷۰۸)

نقل شده ابن روح نوبختی به شلمغانی وجاهتی بخشید، و به سبب همین امر وی توانست در قبیله بنی بسطام جایگاهی برای خویش پیدا کند (همو: ۶۹۸-۶۹۹)، و حتی پس از انحرافش به رغم تأکید حسین بن روح مبنی بر باورهای نکوهش‌آمیز وی و نامه‌نگاری با قبیله بنی بسطام مردم آن سامان از گمانه‌های خویش نسبت به شلمغانی دست نکشیدند. (همو: ۶۹۹)

پس از پافشاری شلمغانی بر گمانه‌هایش و همچنین تبعیت طرفدارانش از وی حسین بن روح علاوه بر طرد و لعن وی به شیعیان دستور داد تا از او بیزارى بجویند و گمانه‌های وی را آشکارا الحادی و غیرتوحیدی دانست. (همو: ۷۰۳)

به رغم فعالیت‌های حسین بن روح علیه شلمغانی، وی با کمک حامیان دولتی‌اش توانست حسین بن روح نوبختی را به زندان بیاندازد (عظیم‌زاده: ۱۳۸۲ش) گویا پس از آشکار شدن انحرافات شلمغانی برای حسین بن روح نوبختی، وی در طرحی با کنار زدن ابن روح به

۱. برای مطالعه بیشتر درباره ابن ابی عزافر (شلمغانی) ر.ک: (ذاکری: ۱۳۹۳ش، ۷۳).

فعالیت‌های خود دامن زد، و از ابزارهای حکومتی خویش در این امر بهره برد. از جمله طرفداران حکومتی شلمغانی که حتی تا منصب وزرات ارتقاء یافته بودند می‌توان از این افراد نام برد:

- **حامد بن عباس (۳۱۱ ق):** وی را با گرایش‌های متعصب سنی‌گرایانه وصف کرده‌اند (ابن مسکویه، ۱۳۷۹ش: ج ۵، ۵۴) که در سال‌های ۳۰۶-۳۱۱ هـ به منصب وزرات مقتدر عباسی ۲۹۵-۳۲۰ هـ دست یافت، برخی از منابع از ارتباط گسترده شلمغانی با وی خبر داده‌اند، و چنین تحلیل کرده‌اند که شلمغانی در او تأثیرگذار بوده است. (تنوخی، ۱۳۹۳ق: ج ۳، ۱۸۶) با توجه به آن که طوسی در نقلی از ام‌کلثوم دختر وکیل دوم و ابن همام آورده که شلمغانی فعالیت مخفیانه داشته و این مبلغان ابن روح از جمله خود ام‌کلثوم بودند که آن را کشف و گزارش آن را به وکیل سوم می‌دهند (طوسی، ۱۳۸۶ش: ۷۰۰ و ۷۰۷). با آشکار شدن این دسته از انحرافات و با پیگیری جدی وکیل سوم در برخورد با شلمغانی، وی چاره‌ای غیر از کنار زدن حسین بن روح توسط یاران دولتی‌اش نمی‌یابد.

- **محسن بن فرات ۳۱۲ هـ:** وی یکی دیگر از طرفداران صاحب منصب شلمغانی بوده که گفته شده گرایش‌های شیعی داشته است. منابع از ارتباط شلمغانی با محسن بن فرات خبر داده‌اند (ابن اثیر، ۱۳۷۱ش: ج ۲۰، ۱۳)، و برخی این نزدیکی را تا به آن اندازه پرفوت می‌دانند که محسن در فرار خویش شلمغانی را به جای خود گماشت. در دوره محسن بن فرات، حسین بن روح به زندان می‌رود (ابن مسکویه، ۱۳۷۹ش: ج ۵، ۱۸۷)، پس از گرفتار شدن محسن، شلمغانی چاره‌ای غیر از زندگی مخفیانه نمی‌یابد. همچنین از دیگر طرفداران مهم و اثرگذار دوره شلمغانی می‌توان به حسین بن قاسم اشاره کرد، وی که مورد توجه خلیفه عباسی بود. (همو: ۲۸۴-۲۸۵؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱ش: ج ۱۹، ۲۴۸ و ۲۵۴)

نکته اساسی در سه فرد ذکر شده آن است که در ارادت به شلمغانی هم داستان بودند که منابع به این ارتباط اشاره داشته‌اند،^۱ خصوصاً این امر درباره حسین بن قاسم بیش از همه سابقه داشته است، و گفته شده وی جان خویش را در همین راه از دست داد.

از نکات مهم و بحث‌برانگیز در زندگی شلمغانی نوع ارتباط وی با وکیل سوم بوده است؟ برخی از محققان وی را از دستیاران حسین بن روح و وکیل او می‌دانند (جباری، ۱۳۸۲ش:

۱. درباره ارتباط حامد بن عباس رک: (تنوخی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، ۱۸۶) و درباره ارتباط محسن بن فرات رک: (ابن مسکویه، ۱۳۷۹ش: ج ۵، ۱۸۷؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱ش: ج ۲۰، ۱۳)؛ و درباره ارتباط حسین بن قاسم رک: (ابن مسکویه، ۱۳۷۹ش: ج ۵، ۳۶۱ و ۳۶۲؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱ش: ج ۲۰، ۱۴).

(۶۷۰)، و برخی دیگری وی را از نزدیکان وکیل سوم دانسته اما وی را از افراد نهاد وکالت نمی‌دانند (ذاکری، ۱۳۹۳ش: ۱۹۵).

با توجه به برخی از نشانه‌های موجود گمانه دوم برتری داشته باشد، چراکه در هنگام وفات محمد بن عثمان خبری از شلمغانی نبوده و همچنین تأکید شده که حسین بعد از انتخاب برای صدارت وکالت به همراه تعدادی از بزرگان امامی که گویا همگی از وکلاء بوده‌اند، به دیدار شلمغانی رفتند.

در این میان شیخ طوسی وی را در زمره مدعیان وکالت آورده و از لیست وکلاء خارج دانسته است (طوسی، ۱۳۸۹ش: ۷۰۰). و طبق نقل دیگری ابوعلی بن همام تأکید دارد که وی هرگز باب و طریق رسیدن به حسین بن روح نبوده و حسین بن روح وی را به هیچ سمتی منصوب نکرده بود. (همو: ۷۰۸)

در عین حال خبری دیگر حکایت از آن دارد، که شلمغانی در نقش وکیل حسین بن روح بوده است در آن نقل چنین آمده که ابوغالب زراری در دوره‌ای که به حسین بن روح در استتار بوده وی شلمغانی را در جای خویش نصب کرده بود، ما از طریق وی به جواب سئوالات مان از امام عصر علیه السلام می‌رسیدیم. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۰۳)

این خبر تنها گزارشی است که به جایگاه شلمغانی به عنوان دستیار حسین بن روح اشاره دارد، به رغم نقل چنین خبری، اشاره‌ای به مقام وکالت وی نشده است، و ممکن است برای مدت محدود تنها به عنوان دستیار حسین بن روح انتخاب شده باشد.^۱

با توجه به آن چه که نقل شد بزرگ‌ترین مشکل شلمغانی زیاده‌خواهی وی از نهاد وکالت، به خصوص وکیل سوم بوده است همین امر سبب می‌شود که در برخی از موارد به دربار عباسی تمایل پیدا کند و اگر لازم می‌دید با تغییر در افکار مردم سعی داشت به هدف خویش دست پیدا کند، در ادامه و فراگیر شدن چانه زنی‌های پیرامون شلمغانی، حسین بن روح تداوم این را امر به سود شیعیان و نهاد وکالت ندید، بنابراین مصمم شد وی را حاشیه‌نشین کند،^۲ در این راستا ابن روح دست کم دو اقدام اساسی در طرد وی انجام داد، در ابتداء در دوره وزرات حامد ۳۱۱هـ. گمانه‌های شلمغانی را برای عباسیان آشکار ساخت، (ابن اثیر، ۱۳۷۱ش: ج ۸، ۲۹۰) که همین امر سبب شد تا در دوره وزرات خاقانی ۳۱۳هـ. تحت تعقیب قرار گرفت، در پی این اقدام

۱. در این زمینه تحقیق خوبی صورت پذیرفته است رک: (ذاکری، ۱۳۹۳ش)

۲. این احتمال را نباید دور از ذهن دانست که عدم برخورد قاطعانه با چنین انحراف فکری که عمدتاً غالیانه بوده ممکن بود نظرگاه دیگر فرق اسلامی را نسبت به امامیه بیش از پیش زیر سؤال برد، رک: (احمدی کچایی، ۱۳۹۱ش)

شلمغانی پس از ارتباط با ابن فرات چاره‌ای غیر از فرار به موصل نمی‌یابد (همو) و سپس طولی نکشید که حسین بن روح نوبختی که توقیعی بر لعن وی از ناحیه امام دوازدهم صادر شده بود را آشکار ساخت (طوسی، ۱۳۸۶ش: ۷۱۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ۶۰۰)، به رغم این اقدامات بنابر دلایل نامعلومی ابن روح در سال ۳۱۲هـ. به زندان رفت، و شلمغانی فرصت می‌یابد که بر حجم فعالیت‌های خود بیفزاید، وی پس از مدتی که ابن مقله وزیر^۱ به دنبال او بود و نتوانسته بود به وی دست پیدا کند، از مخفیگاه خویش خارج و بار دیگر به گزافه‌گویی خویش ادامه داد، و این بار توسط ابن مقله دستگیر و به همراه برخی از یاران خویش در سال ۳۲۲هـ. اعدام می‌شود. گرچه در این میان زندانی شدن حسین بن روح خود بر وخامت اوضاع افزود در عین حال ابن روح توانست اوضاع متشنج شده را تا اندازه‌ای آرام کند.

استفاده از دولت‌مردان با گرایش‌های شیعی

در این باره بیشترین نقل‌ها در میان وکلای اربعه از حسین بن روح وارد شده است، گویا راهبرد حسین بن روح نوبختی در دوره وکالتش بر این اساس شکل یافته بود، بنابراین حجم کارگزاران دولتی با گرایش‌های شیعی در دوره وی بیش از دو وکیل قبلی بوده است، و شاید همین امر سبب شد وی با استفاده از چنین ظرفیت‌های با اصلاح امور شیعیان امامی بپردازد. از جمله خاندان‌های قدرتمندی که ابن روح با ایشان در ارتباط بوده ابن فرات بوده است، به طوری که نقل شده اموالی از این خاندان در اختیار حسین بن روح قرار می‌گرفت، (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۲) و افراد دولتمرد که با واسطه یا بدون واسطه با او در ارتباط بودند می‌توان به این افراد ابوسهل نوبختی بوده است ۳۱۱هـ. وی که خود از امامیه شمرده می‌شده از حامیان نهاد وکالت نیز بوده است، ابوسهل در دوره وزرات خاندان ابن فرات منزلت بالایی پیدا کرد به طوری که نقل شده به مقامی نزدیک وزرات دست یافته بود. (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۱-۳۲) بعدها شخصیت دیگری از این خاندان به نام اسحاق بن اسماعیل نوبختی ۳۲۲هـ. که گفته شده فرزند ابوسهل بوده به مقام‌های قابل ملاحظه در دربار دست یافت گرچه سرانجام وی به دستور خلیفه عباسی قاهر کشته شد. (ابن مسکویه، ۱۳۷۹ش: ج ۵، ۳۸۲) گفته شده ابوسهل برادری با گرایش‌های شبیه آن‌چه خود داشته داشت که توقعیاتی در باره وی نیز آمده بود، وی نیز از کارگزاران دیوانی بوده است. (اقبال، ۱۳۵۷ش: ۱۲۵)

۱- وی یکی از وزیران الراضی بالله بوده است که نقش مهمی در سرکوب شلمغانی داشته است رک: (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۵۹).

از دیگر کارگزاران شیعی در خلافت عباس ابوالفتح فضل بن جعفر بن محمد بن فرات ۳۲۷ هـ. معروف به ابن حنزابه بوده است. (ابن مسکویه، ۱۳۷۹ ش: ج ۵، ۲۱۸) وی با فراز و فرود آل فرات به مناصب گوناگون عباسی دست پیدا می‌کرد و توانست به ریاست دیوان شرق نیز دست پیدا کند. (همو: ۲۲۰) و حتی نقل شده که برای وزارت پیشنهاد داده شده بود و در سال ۳۲۰ برای مدت کوتاهی به این امر انتخاب شد. (ابن خلکان، بی‌تا: ج ۳، ۴۲۴)

از دیگر افراد این دوره که گرایش‌های غیر شیعی داشته اما کمک‌های فراوانی به حسین بن روح داشته است ابن مقله بوده است وی نیز همانند دیگر وزرای زمان خویش فراز و فرودهای زیادی در دوران وزارت خویش داشته است که تفصیل آن در منابع کهن نگاشته در آن دوره می‌تواند بازخوانی شود. (ابن مسکویه، ۱۳۷۹ ش: ج ۵، ۲۸۶) از جمله کمک‌های وی در جریان شلمغانی بوده است که در دوره وزارت وی و به دستور ابن مقله و با پی‌جویی وی شلمغانی دستگیر و سپس اعدام شد، (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۰۶) که گویا در راستای ارتباط وی با حسین بن روح این امر صورت پذیرفته بود. و گفته شده پس از عزل وی از وزارت این حسین بن روح بود که با سفارش به برخی از افراد امور وی را اصلاح کرد. (صولی، ۲۰۰۴ م: ج ۲، ۸۷)

از دیگر کارگزاران این دوره مونس مظفر ۳۲۱ هـ. بوده که گرایش‌های غیر شیعی داشته است در هر صورت وی نیز از جمله افرادی بوده که روابط مناسبی با حسین داشته است، وی نیز دوران فراز و فرودی در وزارت داشته و سرانجام نیز جان در این راه گذاشت، به هر تقدیر مونس نیز در اعدام شلمغانی تأثیر زیادی داشته است، (همو: ۵) و وی بود که حسین بن روح نوبختی را از زندان آزاد ساخت. (قرطبی، ۱۳۸۷ ق: ۹۸)

جایگاه حسین بن روح در میان شیعیان

با توجه به حجم گسترده حضور شیعیان و یا هواخواهان حسین بن روح در مصدر امور سبب نزدیکی وی با این دسته از کارگزاران می‌شده است، به طوری که وی توانست با کمک این افراد از شدت بحران‌های پدید آمده‌ای همچون شلمغانی امامیه را بکاهد. و این امر عمدتاً به سبب گستردگی ارتباط حسین بن روح با شیعیان امامی در مناطق مختلف از جمله قم بوده است که نمونه مشهور آن با اندیشمندان بزرگ این حوزه از جمله ابن بابویه می‌باشد.^۱ حسین بن روح علاوه بر این دسته از مراودات از جهت علمی نیز با قم در ارتباط بوده به طوری که نقل

۱. چنین نقل شده از آنجائی که ابن بابویه فرزند دار نمی‌شده وی در مکاتبه‌ای از ابن روح می‌خواهد که از امام عصر بخواد تا در این امر دعای بفرمایند و شیخ صدوق و برادرش به برکت همین دعا متولد می‌شوند، همچنین نوع برخورد وی با حلاج احتمال هماهنگی میان حسین بن روح و ابن بابویه را تقویت می‌کند.

شده وی کتاب التادیب شلمغانی را برای بازخوانی نهایی به مدرسه قم می فرستد (طوسی، ۱۳۸۶ش: ۶۷۷) و این امر حکایت از ارتباط علمی ابن روح با قم به عنوان یکی از مراکز مهم علمی امامیه در دوره غیبت صغری می باشد.

همان طور که بیان شد وی با برخی از وزراء در ارتباط بوده است، و این امر شیوه مدیریتی وی را می رساند. شیخ طوسی به نقل ام کلثوم - دختر وکیل دوم - آورده وی حتی پیش از وکالتش و در دوران محمد عثمان با برخی از وزراء در ارتباط بوده و جایگاهی ویژه نزد شیعیان داشته است و به دستور امام عصر علیه السلام به آن مقام رسید به طوری که در توقیعی شریف در ابتدایی وکالت ابن روح، وی مورد ستایش امام مهدی علیه السلام قرار گرفته است. (همو: ۶۴۶-۶۴۸)

حسین بن روح در مشکلات علمی برخی از شیعیان گره گشا بوده است و طوسی در چند داستان به این امر اشاره دارد. (همو: ۶۷۲-۶۷۵) طوسی با نقلی دیگر کتاب تکلیف را تدوین یافته حسین بن روح می داند در حالی که برخی گمان می کردند این اثر از شلمغانی بوده و راوی تاکید دارد شلمغانی تنها در این کتاب کاتب ابن روح بوده است. (همو: ۶۷۵) باید دقت شود که منابع تدوین یافته در دوره غیبت صغری هیچ کدام از وکیل سوم سخنی به میان نیاورده اند و تنها ابوسهل نوبختی رضی الله عنه ۳۱۱ ق اشاره ای محدود به وی داشته است.

ابوسهل در مقام یک عالم دینی کمال احتیاط را در اثر خویش مراعات می کند و هیچ کدام از وکلاء را معرفی نمی کند و تنها اشاره غیرمستقیم به مقام وکلای خاص دارد و چنین آورده است:

وقد ذکر بعض الشیعه ممن کان فی خدمة الحسن بن علی و أحد ثقاته ان السبب بینه
وبین ابن الحسن بن علی علیه السلام متصل و کان یخرج من کتبه وامره ونهیبه علی یده الی شیعه
الی أن توفی و اوصی الی رجل من الشیعه مستور فقام مقامه فی هذا الامه. (صدوق،
۱۳۹۵ق: ۱۷۷-۱۷۸)

در این متن وی اشاره دارد که بعضی از افراد مورد اطمینان واسطه امام عصر و شیعیان بوده اند و امور شیعیان نیز با کمک همین واسطه رفع می شده در عین حال ابوسهل از ذکر نام این افراد اجتناب می ورزد.

این بخش از کتاب *التنبیه* گویای فضای سنگین پنهان کاری در آن دوره بوده است. به طوری که وی که از اعضای ارشد نهاد وکالت بوده از نام بردن وکلای اربعه احتراز کرده و فقط به اشاره در این زمینه بسنده می کند.

گرچه از این کتاب صفحاتی چند باقی نمانده و ما نمی دانیم در قبل و بعد از این صفحات آیا

نامی از وکلاء برده شده است یا خیر؟ در هر صورت صفحات باقی مانده از وکلای دیگر نیز سخنی به میان نیاورده است. و به طور عمده مباحث کتاب خویش را حول محور کلام قرار داده است. در عصر غیبت کبری پس از سپری شدن فضای تقیه شیخ صدوق از قم به تفصیل به اخبار وکلاء پرداخته است. وی عمده اخبار را نیز از پدرش نقل کرده است. (حسین، ۱۳۶۷ش: ۲۶)

نتیجه‌گیری

حسین بن روح نوبختی در دوره‌ای به وکالت رسید که درگیری‌های زیادی در میان امامیه صورت پذیرفت این در حالی بود که برخی از سودجویان در این دوره با طرح برخی از گمانه‌ها و نفوذ در بسترهای اجتماعی شیعیان امامی مشکلات زیادی برای ایشان فراهم کردند از طرف دیگر خلافت عباسی در آن دوره به سستی گرائید همین امر سبب شد برخی از وزرائی عباسیان مجال زیادی برای برخورد با دشمنان فکری و اجتماعی خویش داشته باشند به طوری که حسین بن روح به زندان می‌رود، با همه این مشکلات وی با استفاده فراوان از تقیه توانست امامیه را از انشقاق درون مذهبی و خطرات بیرونی حفظ کند. دوران وکلات وی گرچه کمتر از وکیل دوم - محمد بن عثمان - بوده در عین حال فراز و فرود بیشتری داشته است. مشکل اساسی باخوانی دوره وی نبود منابع کافی در این زمینه است، گویا این امر عمدتاً به سبب تقیه منابع نگاشته در آن دوره بوده است.

منابع

- ابن اثیر، کامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، عزالدین علی بن اثیر (م ۶۳۰)، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ ش.
- ابن العبری، تاریخ مختصر الدول، ابن العبری (م ۶۸۵)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۷۷ ش.
- ابن خلکان، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، احسان عباس، بیروت، دارالثقافه، بی تا.
- ابن داود حلّی، حسن بن علی بن داود، الرجال (لابنداود)، تهران، دانشگاه تهران، اول، ۱۳۴۲ ش.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (لابن شهر آشوب)، قم، علامه، اول، ۱۳۷۹ ق.
- ابن کثیر، البدایة والنهایة، أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی (م ۷۷۴)، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۶ م.
- ابن مسکویه: تجارب الأمم، ابوعلی مسکویه الرازی (م ۴۲۱)، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، الطبعة الثانية، ۱۳۷۹ ش.
- احمدی کچایی، مجید، (مقاله) بررسی چگونگی تقابل ائمه با جریان های غالیانه از آغاز تا دوره امام صادق (علیه السلام)، مجله تاریخ و تمدن، شماره ۱۰، قم، دانشگاه معارف، ۱۳۹۱ ش.
- اردبیلی، حدیقة الشیعة، تصحیح: صادق حسن زاده، قم، انتشارات انصاریان، سوم، ۱۳۸۳ ش.
- ارموی، میرجلال الدین محدث، تعلیقات نقض، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۸ ش.
- اقبال، عباس، خاندان نوبختی، تهران، طهرربی، سوم، ۱۳۵۷ ش.
- تنوخی، محسن بن علی (۵۳۸۴) نشوار المحاضر و اخبار المذاکره، تحقیق عبود الشالجبی المحامی، بی جا، محقق، ۱۳۹۳ ق.
- جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (علیهم السلام)، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام)، اول، ۱۳۸۲ ش.
- حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه: سید محمدتقی آیت اللهی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.
- حلّی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلّی، نجف اشرف، دارالذخائر، دوم، ۱۴۱۱ ق.
- حموی بغدادی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، دوم، ۱۹۹۵ م.
- ذاکری، بررسی زندگانی سیاسی فرهنگی شلمغانی (پایان نامه)، دانشگاه ادیان، قم، ۱۳۹۳ ش.

- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (م ۷۴۸)، *تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، الثانية، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م.
- شوشتری، قاضی سید نورالله حسینی مرعشی، *مجالس المؤمنین*، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۵ق.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران، اسلامیة، دوم، ۱۳۹۵ق.
- صولی، محمد بن یحیی، *الأوراق قسم اخبار الرضی والتقی*، قاهره، الهيئة العامة، القصور الثقافية، ۲۰۰۴م.
- طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)*، مشهد، نشر مرتضی، اول، ۱۴۰۳ق.
- طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبة (للطوسی)* کتاب الغیبة للحجة، قم، دارالمعارف الإسلامية، اول، ۱۴۱۱ق.
- عاملی، محمد بن حسن، *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت، اعلمی، اول، ۱۴۲۵ق.
- عظیم زاده، طاهره، *مجله تاریخ اسلام*، شماره ۱۳، قم، ۱۳۸۲ش.
- الفخری، *تاریخ فخری*، محمد بن علی بن طباطبا معروف به ابن طقطقی (م ۷۰۹)، ترجمه محمد وحید گلیایگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، دوم، ۱۳۶۰ش.
- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، بی جا، بی نا، ۱۳۸۷ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب کلینی الرازی، *اصول کافی*، تهران، دارالاسوة للطباعة و النشر، اول، ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ق.
- مستوفی، *تاریخ گزیده*، حمدالله بن ابی بکر بن احمد مستوفی قزوینی (نوشته در ۷۳۰)، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، سوم، ۱۳۶۴ش.
- مسعودی، *التنبیه والإشراف*، أبو الحسن علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۵)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، دوم، ۱۳۶۵ش.
- مفید، *تصحیح اعتقادات الإمامیة*، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، اول، ۱۴۱۳ق.
- مفید، محمد بن محمد، *المسائل الصاغانیة*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه السلام، اول، ۱۴۱۳ق.
- نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین بقم المشرفه، ششم، ۱۳۶۵ش.